

ادامه از صفحه ۲

تعارض منافع وبهره‌وری در ایران

در حوزه دارایی‌ها در عقد قراردادهای منافع شخصی فقط در زمینه سرمایه‌گذاری کارآفرینی با منافع اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی و جامعه یکسان و هم‌راستا است و در هر موقعیت دیگر، منافع شخصی از منافع بنگاه‌ها و جامعه ممکن است متفاوت باشند. این موضوع هم با بهره‌وری در بنگاه، دستگاه و جامعه در صورت رعایت‌نکردن در تضاد است و باید در ایران چاره‌ای برای آن اندیشیده شود.

تورم یکی از پدیده‌های اقتصاد ایران است که سال‌ها جامعه دست‌به‌گریبان آن است و همواره ایران با تورم‌های دو رقمی و گاه ناگهانی و دور از انتظار مواجه بوده است. تورم را «ظالمانه‌ترین مالیات» هر جامعه‌ای است. به یمن تورم مزمن، قیمت انواع دارایی‌ها از جمله ملک، سهام، نرخ ارز و طلا در کشور افزایشی بوده و از این افزایش قیمت دارایی‌ها، سیستم بانکی، دولت با خلق و نشر پول، بدهکاران بانکی، صاحبان املاک و سهام‌داران بزرگ ذی‌نفع بوده‌اند و خلاقیت و کارایی جامعه که از قشر متوسط جامعه انتظار می‌رود همواره در محاق رفته است. در کنار آن اخلاص در قیمت‌های نسبی به‌ویژه قیمت حامل‌های انرژی، ارز، نرخ تسهیلات بانکی، دستمزدها و قیمت کالاها و خدمات نیز باعث کاهش کارایی در اقتصاد می‌شوند. بنابراین عملکرد سیستم به گونه‌ای بوده است که عده‌ای همواره از داشتن تورم منافع داشته‌اند و کارایی و بهره‌وری اقتصاد را سرکوب کرده‌اند و این از بزرگ‌ترین مشاهدات تعارض منافع در اقتصاد ایران بوده و هست.

از دیگر مشاهدات اقتصاد ایران، بزرگ‌شدن سهم دولت در آن، بعد از دهه ۱۳۵۰ شمسی است و همواره این موضوع باوجود لزوم بازگویی کنترل آن از طرف صاحبان اندیشه و حتی رسوخ در اسناد قانونی کشور، باز هم در عمل اتفاق قابل‌ اعتنایی نیفتاده است. حتی با آمدن فناوری‌های دیجیتال هم این معضل حل نشده است. بزرگ‌شدن دولت و ناکارایی آن از طریق دخالت‌های ناچجا و انجام‌دادن وظایف محوله اصلی باعث ناکارآمدی اقتصادی و تنزل بهره‌وری همه عوامل موجود (نیروی کار، سرمایه، انرژی و مواد واسطه و همه آنها به شکل یکجا) و تضاد منافع در اقتصاد شده است.

اولدگی، هوا خرب جنگل‌ها، استفاده نامناسب از زمین، آب و فرورایش خاک در کشور، همه در قالب سیاست‌گذاری‌های کلان و اجرای آنها در کشور شکل گرفته است. سیاست‌های اتخاذشده در محصولات کشاورزی با توجه به بی‌اعتنایی به تئوری‌های تجارت بین‌الملل، حمایت بیجا و طولانی مدت از محصولات بی‌کیفیت داخلی، همراهی نداشتن با جامعه جهانی برای ارتقای مدیریت و فناوری در اقتصاد و بنگاه‌ها، عدم درم‌بینی‌تکنیک با اقتصاد کشورهای منطقه و جهان و استفاده‌نکردن از سرنیزهای دانش بین‌المللی باعث شده بسیاری از محصولات تولیدی در کشور بدون توجه اقتصادی و با رویکرد تخریب منابع داخلی تولید شوند و بهره‌وری اقتصادی را در کشور پایین نگه دارند و تضاد منافع ساختاری عجیبی را در کشور رقم بزنند.

مفهوم «رقابت» ابعاد و قواعد خاص خود را دارد، برخی از ابعاد آن باعث انتقال پرداختی به استفاده‌کنندگان می‌شود که اینجا موضوع محوری قیمت است و نفع آن به جامعه می‌رسد. برخی از ابعاد رقابت باعث انتقال منافع به شخص ثالث می‌شود که می‌توان فساد را در این‌باره مثال زد. برخی دیگر از ابعاد آن هم باعث «زیان بی‌اثر» می‌شود که به تعبیری سرمایه‌گذاری بر ظرفیت‌هایی است که استفاده ندارند. برای اطمینان از مفیدبودن رقابت برای جامعه و اقتصاد به قانون و مقررات و ضمانت اجرایی نیاز است. در ایران رقابت دستگاه‌های اجرایی برای استفاده از منابع و درآمدهای نفتی در قالب بودجه بوده و همواره یک رقابت سالم که باعث کاهش هزینه تولید محصولات و خدمات و نهایتا بهبود بهره‌وری در اقتصاد شکل بگیرد، به‌وجود نیامده و تضاد منافع مدیران در دولت و خارج دولت برای استفاده از منافع درآمدهای نفتی باعث شده است که رقابت سالم شکل نگیرد و همواره فساد و اتلاف خالص رانت دستاورد کارکرد نفت در بودجه و جامعه شود و کارآمدی و بهره‌وری کل اقتصاد را تنزل دهد. سیاست‌های پولی مجموعه اقداماتی است که مقام پولی به‌منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی به کار می‌برد. سیاست‌های پولی بر عرضه پول و نرخ بهره اثر می‌گذراند و از این طریق بسیاری از اهداف اقتصادی مانند ثبات قیمت‌ها، حل مشکل رکود ... و را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع چگونگی تنظیم سیاست‌های پولی و استفاده از ابزارهای پولی اهمیت ویژه‌ای در عملکرد اقتصاد کلان دارد. مقام پولی در اجرای اهداف تثبیت، با دو‌گروه تکانه مواجه است: یکی تکانه‌هایی که تولید و تورم را در جهت یکسان تغییر می‌دهند که تکانه‌های تقاضا هستند و دیگری تکانه‌هایی که تولید و تورم را در راستای مخالف تغییر می‌دهند که تکانه‌های عرضه هستند. در تکانه‌های عرضه، یک سیاست‌گذار باید تصمیم بگیرد که آیا تورم را تثبیت و با این کار تولید را ناپایدار کند یا برعکس. تضاد منافع در تولید و تورم و افزایش تولید و عدم استقلال اقتصادی بانک مرکزی در ایران باعث شده که بانک مرکزی سال‌هاست نتواند از کیان ارزش پول ملی در ایران حمایت کند و با تسلط سیاست‌های مالی بر پولی، کارایی سیاست‌های پولی همواره تسزل یافته و در نتیجه این کارایی‌نداشتن باعث تنزل بهره‌وری در اقتصاد ایران شده است.

شکوفه حبیب‌زاده: سقوط هواپیمای آنتونف ۱۴۰ شرکت هواپیمایی سپاهان به پرواز شماره ۵۹۱۶ تهران- طیس در ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ کمی نمانده تا شش‌ساله شود، اما هنوز هم پرونده آن در دستگاه قضائی باز است و شاکیان نگران از روندی که در دادگاه کارکنان دولت شعبه ۱۰۵۸ پیگیری می‌شود، در انتظار رسیدگی عادلانه به این پرونده، در التهاب به‌سر می‌برند. کمی پس از وقوع این سانحه ناگوار که منجر به کشته‌شدن ۴۰ نفر و مصدومیت هشت نفر شد، پرونده‌ای در دادسرای جنایی شعبه ۲۷ تهران با عنوان «تسبیب در قتل شبه‌عمد ۴۰ نفر» به بازپرسی محمد شهرباری مفتوح شد و چهار سال روند رسیدگی به آن طی شد. پس از آن، این پرونده از دادسرا به دادگاه کارکنان دولت شعبه ۱۰۵۸ ارجاع و قاضی دانشور به‌عنوان قاضی پرونده، رسیدگی به آن را بر عهده گرفت. با این حال، اختلاف نظر بین دادسرا و دادگاه سبب شده این پرونده وارد چالش‌ی جدید شود. آخرین جلسه این دادگاه در روز ۱۸ تیرماه، درحسب یک هفته قبل برگزار شد؛ جلسه دادگاه که بر اساس قانون جرسب «علنی» داشت، بدون حضور خبرنگاران و خانواده‌های درجه اول شاکیان برگزار شد. اما تمام ماجرا این نیست؛ در گفت‌وگویی که با حبیب‌الله صادقی، بازپرس این پرونده داشتیم، ابعاد جدیدی از این پرونده رو شد. از دست‌کاری در پرونده از سوی سازمان هواپیمایی کشوری و صدور قرار جلب برای یکی از مدیران ارشد این سازمان گرفته تا امحای یک مدرک از سوی این سازمان برای پنهان‌کردن نقص فنی هواپیمای و اصرار تکراری بر «اشتباه خلبان».

متهمان چه کسانی هستند؟

در کیفرخواست صادرشده، مشارکت در تسبیب در قتل شبه‌عمد ۴۰ نفر، مشارکت تسبیب ضرب و جرح شبه‌عمد هشت نفر و معاونت در قتل شبه‌عمد به‌عنوان اتهام چهار متهم اصلی این پرونده عنوان شده است. متهمان اصلی این پرونده، «ع.ج»، رئیس وقت سازمان هواپیمایی کشوری، «م.ع.ع»، مدیرکل وقت دفتر ایمنی و بررسی سوانح سازمان هواپیمایی کشوری، «م.ع.ج.س»، رئیس وقت هیئت‌مدیره شرکت صنایع هواپیماسازی ایران و «م.ح» مدیرکل وقت قابلیت پرواز که اکنون نام او در بین متهمان سانحه سقوط هواپیمای تهران- یاسوج نیز به چشم می‌خورد، هستند.

روایتی عجیب از دست‌کاری در پرونده

حبیب‌الله صادقی، بازپرس پرونده سقوط آنتونف ۱۴۰ هواپیمایی سپاهان، روایت عجیبی از روند این پرونده در دادسرای کارکنان دولت ارائه می‌دهد. او می‌گوید در بازبینی، متوجه دست‌کاری‌هایی در این پرونده شده است که پیرو آن، کیفرخواستی تهیه شده و به قرار جلب به دادرسی یکی از مسئولان ارشد سازمان هواپیمایی کشوری منتهی شده است. به گفته صادقی، حواشی این پرونده بعد از حدود شش سال، بیش از ماجرای اصلی، پررنگ شده است. بازپرس صادقی این‌گونه آخرین جلسه دادگاه را روایت می‌کند: «اول و دوم تیرماه سال ۹۸، دو جلسه نخست بررسی این پرونده که در دفاعیات متهمان پرداخته، متهمان آزادی عمل کامل در بیان دفاعیات خود داشتند، اما در سومین جلسه که در ۱۸ تیرماه امسال برگزار شد، رئیس جلسه، اجازه سخن‌گفتن از سوی دو نماینده دادستان را نمی‌داد». این مقام قضائی که خود از روند رسیدگی به این پرونده در دادسرای کارکنان دولت متعجب است، در نقد آخرین جلسه دادگاه می‌گوید: «حتی به من به‌عنوان قاضی گفته شد که تلفن همراهم را به داخل دادگاه بزم که مبدا صدايي ضبط شود. در

اقتصاد



عکس: محمدحسین میرزاد، تسنیم

بازپرس پرونده آنتونف ۱۴۰ در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

دست‌کاری در پرونده سقوط

قرار جلب مدیر دفتر بررسی سوانح سازمان هواپیمایی کشوری صادر شد

می‌شود، دچار نقص نفی بوده و به آشیانه رفته بود تا این مشکل برطرف شود، اما بر اساس دستور نامشخص، اعلام می‌شود این هواپیما حتماً به طیاره رفته و پس از بازگشت، تعمیر شود. خلبان ایزدپناهی، خلبان این پرواز، نسبت به وجود نقص ایمنی هشدار داده بود. حتی بر اساس روایاتی گفته می‌شود در شب حادثه، خلبان و کادر پرواز اوکراینی هواپیمای ایران ۱۴۰ به «پهانه بیماری» با این هواپیمای از تهران به طیس سفر نکردند و در اینجا خلبان ایزدپناهی برای این پرواز، راهی طیس می‌شود.

امحای بر که مأموریت از سوی سازمان هواپیمایی بازپرس صادقی روایتی از پیش از سانحه ارائه می‌دهد: «این هواپیمای در اصفهان دچار لرزش‌های غیرمعتارف می‌شود. کارشناس فنی این هواپیمای که مجوز سه‌ماهه برای پرواز صادر کرده بود، اعلام کرد که همان روز حادثه، آخرین روز مجوز آن بود. مقرر شده بود که این کارشناس برای بررسی فنی هواپیما به اصفهان برود، اما همان روز او را از پای پرواز برمی‌گرداند که لاشه بلیت آن موجود است، اما سازمان هواپیمایی کشوری بر که مأموریت را امحا می‌کند، زیرا اگر سیافه امضا نمی‌شد، مجوز مجدد نیز صادر نمی‌شد. در اینجا کارشناس دیگری را برای بررسی فنی می‌فرستند که او پای سیافه را امضا می‌کند، او اکنون یکی از متهمان این پرونده است.»

دریافت رشوه در تأیید مجوز پرواز

این مقام قضائی روایت دیگری نیز ارائه می‌دهد: «یکی از مواردی که در بررسی این پرونده به آن دست یافتیم، اطلاعاتی بود که از سرنوی مراکز اطلاعاتی و امنیتی به دست ما رسید. بر اساس این گزارش‌ها، مبالغ سنگینی برای تأیید مجوز پرواز این هواپیما ردویدل شده بود».

شگرد مشترک سازمان هواپیمایی در ۲ پرونده

جالب آنکه بر اساس گفته‌های بازپرس این پرونده، متهمان از همان شگردی استفاده کرده‌اند که در پرونده سانحه یاسوج استفاده کردند: «۹۰درصد دفاعیات متهمان حول این محور بود که کارشناس رسمی دادگستری در این پرونده اختلاف نظر با سازمان هواپیمایی کشوری داشته و قصد تخریب دارد و تقریباً بسیار کم به دفاع از خود در برابر اتهامات واردشده پرداختند. آنها تأکید داشتند که باید کارشناس رسمی دیگری برای این پرونده انتخاب می‌شد؛ کارشناسی که احتمالاً با آنها هم‌رای باشد».

به رئیس قوه قضائیه شکایت بردیم

یکی از شاکیان این پرونده که پدر خود را در این سانحه از دست داده، به «شرق» می‌گوید: «دادسرای جنایی چهار سال روی این پرونده کار کرده و گزارش دقیقی ارائه داده است، اما نمی‌خواهند آن بررسی‌ها را بپذیرند».

او با طعنه خطاب به شگرد متهمان می‌گوید: «فقط برای اینکه هزینه رفع نقص فنی را نپردازند، با جان آدم‌ها بازی کردند. گویا برای مدیرانی که دستور دادند این پرواز به طیس انجام شود و وقتی بازگشت، تعمیر شود، ۴۰ بلیت صدهزار تومانی بسیار بیشتر ارزش داشت تا پرداخت دیه به ۴۰ نفر!». اما پس از مدتی که پرونده به دادگاه رسید، متهمان می‌گویند: «اتهامی که قصد دارند در خلبان بزنند، اصلاً درست نیست؛ زیرا خلبان ایزدپناهی حاضر به پرواز نبود و با اعمال فشار او را مجبور به راهبری هواپیمایی کردند که می‌دانست نقص فنی دارد. این هواپیما آن‌قدر نقص داشت که وقتی در آن می‌نشستید، بین در باز بود و آن را با یک کد دست می‌بستند! این هواپیما اگر مشکل نداشت که صاحب تکنولوژی آن در شاهین‌شهر کشته نمی‌شد».

این شاکای به شکایتی که به رئیس قوه قضائیه برده اشاره می‌کند و می‌گوید: «هم به حفاظت و هم رئیس قوه قضائیه شکایت کرده‌ام». او در ادامه خطاب به خانواده‌های شاکای در پرونده سقوط هواپیمای تهران-یاسوج می‌گوید: «در پرونده یاسوج هم خانواده‌ها مدام جلوی دادگاه می‌آیند که شکایت کنند، اما شکایت از چه؟ در همه پرونده‌ها در نهایت، نتیجه‌گیری می‌کنند که خلبانی که خود

در سانحه کشته شده، مقصر است.»

این پرونده به ی‌را همه می‌رود

سیدجواد طالبی، یکی از شاکیان این پرونده که همسر و دو فرزند خود را در این سانحه از دست داده است، از آخرین جلسه دادگاه با گلایه یاد می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «به نظر می‌رسید این جلسه حول محور اختلاف نظر بین دادسرا و دادگاه شکل گرفته باشد. به قاضی در دادگاه اعتراض کردیم که چرا با وجود اینکه جلسه علنی است، به هیچ خبرنگاری و حتی به اقوام درجه یک شکات اجازه ورود به جلسه داده نشد.

او که ساکن طیس است، می‌گوید: «گاهی به علت یک سانحه طبیعی، عزیزی را از دست می‌دهید، اما این سانحه به‌خاطر منافع مالی و قدرت‌طلبی برخی رخ داده است و نه چیز دیگری. این هواپیما محرز بود که نقص فنی داشته، اما به علت فشارها و اعمال نفوذهای برخی، به پرواز درآمد و جان ۴۰ نفر را به‌صورت مستقیم گرفت».

طالبی ادامه می‌دهد: «افراد بی‌گناه در این پرواز سوختند، فقط به دلیل حضور افرادی که برای جایگاه خود، حاشیه امنیت بالایی دارند. آنها تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که اعلام کنند خلبان مقصر است، درحالی‌که از ابتدای بررسی‌های کارشناسی هم محرز بود که نقص فنی و نه قصور خلبان، منجر به این سانحه شده است».
این شاکای با اشاره به اینکه ۱۲ نفر از شهر طیس در این پرواز حضور داشتند، از زبان آنها می‌گوید: «این خواسته من نیست، خواسته یک شهر است. طیس دو داغ دید، زلزله طیس در سال ۵۷ و سقوط هواپیمای در سال ۹۳. هنوز که هنوز است گرد این غم، بر تن تمام شهر نشسته. این خواسته تنها من نیست؛ خواسته فقط خانواده‌های داغ‌دیده نیست، خواسته این شهر، خواسته یک کشور است که با خاطبانی برخورد کند که با جان انسان‌ها به این راحتی بازی می‌کنند».

یادداشت

لزوم سنجش میزان افزایش دسترسی مردم به خدمات بورس

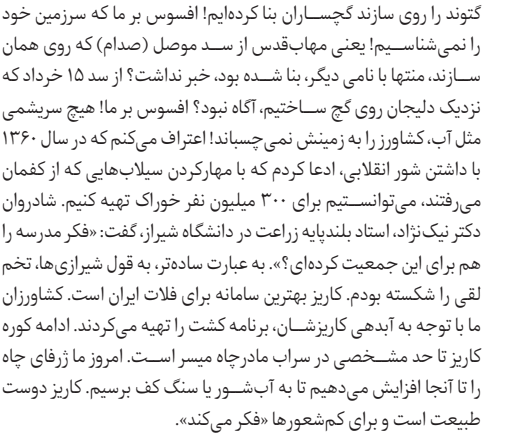
مژگان مؤمنی. کارشناس آکادمی هوش مالی

● واگذاری سهام عدالت، فروش همراه با تخفیف واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی و رونق روزافزون بورس، توجه همه را به بازار سرمایه جلب کرده است؛ فرصتی بنظیر برای جامعه با مفاهیم و دنیای سرمایه‌گذاری درست و اصولی، بیشتر و دقیق‌تر آشنا شود. امری که در صورت همراهی رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، افزایش قابل توجه سواد مالی مردم را در پی خواهد داشت. از میزان آگاهی و دسترسی مردم به خدمات مالی، شامل بانک، بازار سرمایه با اصطلاحی به نام «شمول مالی» یاد می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شمول مالی را دسترسی کافی، بهنگام و با هزینه کم به خدمات و محصولات مالی تعریف می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد بیش از دویملیاردو ۲۰۰ میلیون نفر از بزرگ‌سالان در سراسر جهان دچار «محرومیت مالی» هستند و به‌انواع خدمات مالی ارائه‌شده از سوی مؤسسات مالی دسترسی ندارند؛ نتیجه‌ای که مستقیماً با فقر در ارتباط است. آخرین آمارها در ایران حاکی از شمول مالی ۹۴درصدی در حوزه بانکی، ۱۲درصدی در حوزه بازار سرمایه و سهدرصدی در حوزه بیمه‌های غیراجباری است. آمارهایی که با تحولات اخیر در بازار سرمایه دستخوش تغییرات فراوانی شده و خواهد شد؛ آمار و ارقامی که از برخورداری ۵۰ تا ۶۰ میلیون نفر از کد بورسی می‌گوید. اما شمول مالی و دسترسی مردم به خدمات مالی دو وجه دارد؛ وجه عرضه که ارائه‌دهندگان خدمات مالی مسئول توسعه این بخش هستند و لازم است خدمات ارزان و باکیفیت را در دسترس همه افراد جامعه قرار دهند و وجه تقاضا به معنای آگاهی و استفاده مردم از این خدمات. از این رو سنجش درست شمول مالی نیازمند توجه به هر دو وجه است؛ چراکه همواره فاصله‌ای میان‌عدادار میان اهداف و اقدامات ارائه‌دهندگان خدمات و ادراک و برخورداری مصرف‌کنندگان وجود دارد. احتمالاً همه این تجربه را داشته‌ایم که هنگام استفاده از پشتیبانی‌های شبانه‌روزی ادعاشده ارائه‌کنندگان خدمات، ساعت‌ها پشت خطوط مرکز تماس معطل شده‌ایم و درنهایت عطای پاسخ‌گویی را به لقایش بخشیده‌ایم. اما وقتی آمارهای بهبود اوضاع اقتصادی را می‌شنویم، آن را سر سفره خود نمی‌بینیم. به بیان بهتر، آماری که همواره طرف عرضه در افزایش دسترسی مردم به محصولات و خدمات مالی ارائه می‌کند، با واقعیت میزان دسترسی مردم فاصله دارد. با همین رویکرد، گروه تحقیق و توسعه بانک جهانی با همکاری مؤسسه گلوب، از سال ۲۰۱۱ هر سه سال یک بار در ۱۴۸ کشور جهان، سطح دسترسی مردم به محصولات و خدمات مالی را می‌سنجد تا داده‌هایی مقایسه‌پذیر درباره شمول مالی از دیدگاه کاربران خدمات مالی ارائه دهد. با این مطالعه جهانی، میزان استفاده گروه‌های مختلف جمعیتی ازجمله زنان، جوانان و زنان از محصولات مالی با محرومیت آنان از خدمات مالی رسمی اندازه‌گیری می‌شود. ما نیز به‌شدت نیازمند سنجش‌های دقیق در حوزه شمول مالی در همه بخش‌ها، به‌خصوص در بخش بازار سرمایه‌ایم. این سنجش‌ها کمک می‌کند از سطح آگاهی و درک مردم از محصولات و خدمات بازار سرمایه مطلع شویم، گروه‌های جمعیتی با بیشتری‌تر و کمتری‌تر دسترسی را شناسایی کنیم، نسبت به میزان رضایت افراد از خدمات ارائه‌شده آگاه بشویم، سطح اعتماد مردم به ارائه‌دهندگان خدمات مالی را بسنجیم، موانع اصلی دسترسی به این خدمات را کشف کنیم و قسمت‌های لازم برای حمایت دولت‌ها و بخش خصوصی را مشخص کنیم.

خبر

رعایت دستورالعمل سقف اجاره‌بها در همه شهرها

● وزیر راه‌وشهرسازی گفت: دستورالعمل عدم عبور از سقف تعیین‌شده اجاره‌بها، بازار پرتلاهاب و حباب‌دار اجاره مسکن را مهار کرد و بر اساس گزارش روزانه اتحادیه املاک به وزارت راه‌وشهرسازی، در همه شهرها از این دستورالعمل تبعیت کرده‌اند. به گزارش فارس، محمد اسلامی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: مصوبه ستاد ملی، بازار پرتلاهب و حباب‌دار اجاره مسکن را مهار و کنترل کرد. او ادامه داد: بر اساس گزارش روزانه اتحادیه املاک به وزارت راه‌وشهرسازی، در همه شهرها از دستورالعمل عدم عبور از سقف تعیین‌شده اجاره‌بها تبعیت کرده‌اند و ما این موضوع را مدام رصد می‌کنیم. وزیر راه‌وشهرسازی اظهار کرد: معاملات اجاره مسکن که در سامانه ثبت شده، نشان می‌دهد این مصوبه رعایت شده است و مردم هم رضایت زیادی دارند. اسلامی درباره تأثیر مصوبه مجلس در موضوع مالیات بر خانه‌های خالی بر واقعی‌سازی نرخ مسکن اظهار کرد: این مصوبه پیشنهاد وزارت راه‌وشهرسازی و دولت به مجلس بود.



طبیعی مرز و بومشان (ظرفیت برد (carrying capacity) تهیه و اجرا کنند». آمریکایی‌ها با نشان دادن کارهای بسیار سودمندی که به وسیله مدیریت دره تیسی (TVA) اجرا شده بود، محمدرضا پهلوی را تشویق کردند که الگوی آنها را تکرار کند؛ کاری نابخردانه برای خشک‌بوم ایران! مدیریت دهه ۱۳۲۰ با جمعیت آن روز تقریباً هماهنگ بود. درمان نامدیریت کنونی، راهکاری را می‌طلبد که بالاتر از درک من است. جمعیت ایران، در بهترین شرایط، نباید از ۷۰ میلیون نفر تجاوز کند (از نظر آب در دسترس). نزدیک به یک سوم مردم ما در دوره قاجار، کوچ‌رو بودند (بهترین سیاست برای فلات ایران). با ساکن‌کردن عسایر و کوچش در تبدیل آنها به دامدار-کشاورز، اصلاحات ارضی و سیاست خودکفایی در گندم و گوشت قزم، ضربت لازب (چسبنده) را به منابع طبیعی، به‌ویژه خاک، آب و جنگل وارد کردیم. گروهی پرشمار از عشایرمان را در حاشیه‌نشین شهرها جا دادیم. قحابه کشاورزان را به شهرها بردیم و تولیدکنندگان را به مصرف‌کنندگان تبدیل کردیم. با ساختن سدهایی پرشمار در زاگرس، فاتحه خرمای خوزستان را خواندیم. اختراع کردیم که سد

می‌توانیم ۴۰ سال بدون بارندگی زندگی کنیم

می‌توانیم ۴۰ سال بدون بارندگی زندگی کنیم

پدر دانش نوین آبخوان داری ایران در گفت‌وگو با «شرق»

می‌توانیم ۴۰ سال بدون بارندگی زندگی کنیم

شرق: «سیدآهنگ کوثر» که به او لقب پدر دانش نوین آبخوان داری ایران را می‌دهند، این روزها کمتر مصاحبه می‌کند. به‌سختی از او درخواست کردیم که دانش خود را در اختیار تابش‌آبش قرار دهد. آهنگ در این گفت‌وگو هشدار می‌دهد که جمعیت ایران، در بهترین شرایط از نظر آب در دسترس، نباید از ۷۰ میلیون نفر تجاوز می‌کرد؛ اما اکنون که جمعیت ایران پا را از ۸۰ میلیون نفر نیز فراتر گذاشته، او هنوز هم امیدوار است. آهنگ با اشاره به اینکه در سال‌هایی که بارندگی ما «خوب» است، نزدیک به ۶۰ درصد نیاز آبی ما از آبخوان‌ها تأمین می‌شود، می‌گوید: «شوربخانه، وزارت نیرو آبخوان داری را جدی نمی‌گیرد. ما نشان داده‌ایم که با هزینه‌ای بسیار اندک‌تر از ساختن سدهای بلند، می‌توانیم آب را فراهم کنیم. فضای خالی آبخوان‌های بالقوه و بالفعل ۴۳ میلیون هکتار آب‌رفت‌های درشت‌دانه ایران، دست‌کم برابر پنج هزار کیلومتر مکعب است... چنانچه توفان نوح تکرار شود و ما شبکه‌های گسترش سیلاب را در سطح ۴۰ میلیون هکتار آماده کرده باشیم و با درنظرگرفتن مصرف اسراف‌گونه کنونی، می‌توانیم برای ۴۰ سال بدون بارندگی به زیست‌اندامه دهیم و کارتری‌های مرده را زنده کنیم».

کمی وقتی صحبت از مدیریت بومی منابع آب و اقلیم می‌شود، همه توجهات به سمت سازه‌های سنتی آب از جمله قنات می‌رود، درحالی‌که شاید مهم‌تر از سازه‌های آبی که در نوع خود مهم هستند، ساختار مدیریت بومی منابع آب است که تا قبل از ورود اصل ۴ تروم و اصلاحات ارضی دچار فروپاشی شد؟ به نظر شما ساختار بومی و گذشته مدیریت منابع آب می‌توانستند در نیازهای امروز ایران را پاسخ دهد و هم مشکلات و چالش‌های ساختارهای امروز را نداشته باشد؟

افلاطون در سه هزار سال پیش پیهمیده بود «ملت‌ی شادند که شاه آنها فیلسوف باشد یا شاه ایشان فلسفه بخواند، و سیدآهنگ کوثر در سده ۲۱ میلادی می‌گوید: «سیاست‌گذاران خشک‌بوم‌ها باید بوم‌شناسانی خیره (اکولوژیست) باشند یا سخنان چنین خردمندانی را به گوش جان بینوشند. آنها باید برنامه‌های سازندگی کشورشان را بر پایه مدیریت پایدار منابع